

کندوکاوی در دستور زبان فارسی دکتر وحیدیان کامیار

دکتر محمد باقر محسنی
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

چکیده

یکی از شاخه‌های مهم و درعین حال مظلوم ادبیات فارسی، که پیوسته دستخوش تحوّل و دگرگونی بوده است، موضوع دستور زبان فارسی است. این شاخه که در حقیقت آمیختگی علم با هنر است در طول عمر چندین ساله ادبیات فارسی بر اساس سلیقه‌ها و موقعیت افراد، پستی‌ها و بلندی‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. دستور گاهی در رأس هرم هنرهای ادبی قرار گرفته و زمانی دیگر در پس پرده‌های بی‌سلیقگی‌ها و اختلاف نظرها جزو علوم فراموش شده به حساب آمده است. گاهی به دور از چشم زبان‌شناسان، سرنشین مجالس بحث‌های ادبی گشته و در دورانی دیگر حاشیه نشین مباحث زبان‌شناسی بوده است. امروزه نیز بزرگان ادب فارسی مصلحت این رشته ضروری را در آن دیده‌اند که ما بین دستور زبان فارسی و زبان‌شناسی یک نوع صلح و آشتی و تفاهم برقرار نمایند، که نمونه‌ی اعلای آن را در دستور زبان فارسی دکتر وحیدیان کامیار مشاهده می‌کنیم. از آنجا که این کتاب منبع اصلی کتاب‌های دستوری دوره‌های راهنمایی و دبیرستانی و دانشگاهی قرار گرفته است برآن شدیم که با یک نقد و بررسی که با حسن نیت همراه است، پیشنهادهای را ارائه دهیم و قضاوت را بر عهده‌ی اهل فن بگذاریم.

کلید واژه‌ها:

دستور زبان، زبان‌شناسی، تکواژ، واژه، فعل‌های باقاعده، فعل وصفی، وحیدیان کامیار

مقدمه:

بدیهی است که اساس یادگیری صحیح هر زبانی و لازمهٔ درست سخن گفتن و درست نوشتن آن زبان، در مرحلهٔ اوّل تمرین و تکرار است و در مرحلهٔ بعدی است که قواعد و دستور آن زبان مطالعه می‌شود؛ یعنی کسی می‌تواند یک زبان را خوب یاد بگیرد و به آن زبان سخن بگوید و آن را درست بنویسد که بسیار بشنود و بسیار بخواند؛ پس از آن به کار مکالمه و تالیف اقدام نماید؛ اما از آن جاکه زبان تحوّل پذیر و دگرگون شونده است بدین جهت باید پیوسته از تمرین و تکرار غافل نباشد.

امروزه ما در تاریخ دگرگونی های زبانی، در حسّاس ترین دوران زبان شناسی و دستور شناسی قرار گرفته ایم. شاید در هیچ دورانی از دستور زبان فارسی به اندازهٔ عصر ما، تغییر و تحوّل نبوده است؛ چرا که در عمر هزار و اند سالهٔ زبان فارسی قواعد مربوط به درست نویسی، یعنی دستور زبان فارسی یکه تاز میدان شناخته نمی شد و خبری از زبان شناسی که تحت تأثیر زبان محاوره باشد نبود؛ اما در دهه های اخیر که علم زبان شناسی با توجه به نیاز جوامع بشری وارد میدان شد، گاهی این دو علم و هنر؛ یعنی دستور زبان فارسی و زبان شناسی به موازات هم حرکت کردند و گاهی در نقطهٔ مقابل یکدیگر قرار گرفتند و یک زمانی چون دوران حاضر با هم تلفیق شدند و علاقه مندان و استادان و دبیران ادبیات فارسی بهتر می دانند که شاید امروزه یکی از درس های پر دغدغهٔ مدارس و دانشگاه ها درس دستور زبان فارسی و زبان شناسی است، و همهٔ ما می دانیم که بسیاری از دبیران علوم انسانی و استادان ادبیات فارسی از تدریس این دو درس شانه خالی می کنند هر چند که در دهه های گذشته دانشمندانی چون فرشیدورد، خیّام پور، قریب، خانلری، معین، همایون فرّخ، و در دوران ما استادانی چون گیوی، انوری، ابوالقاسمی، مشکوه الدّینی، باطنی و وحیدیان کامیار مسیر را برای تدریس این دروس هموار کرده اند و امروزه روش نوینی در تحصیل و تدریس

قواعد مربوط به زبان فارسی ارائه گردیده است که می توان آن را آشتی دستور زبان فارسی و قواعد زبان شناسی دانست. از نمونه بارز چنان آثاری دستور زبان فارسی استاد بزرگوار دکتر تقی وحیدیان کامیار است، و از آن جا که کتاب های راهنمایی و دبیرستانی به سبک این دستور زبان فارسی، تدوین شده اند، بایسته است که در دوره های کاردانی و کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ها نیز این کتاب مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گیرد. بدین مناسبت و با توجه به سال های متمادی تدریس در مقاطع متعدد، از راهنمایی گرفته تا مقطع کارشناسی ارشد مطالبی از کتاب دستور زبان فارسی (۱) آقای دکتر وحیدیان کامیار مورد نقادی قرار گرفته که ذیلاً به استحضار می رسد:

الف) نقد کتاب دستور زبان فارسی (۱)

- بحث واژه و تکواژ و تفاوت آن ها: (ص ۸)

در بحث فوق تکلیف «تکواژ قاموسی» و فرق آن با «واژه» مشخص نشده است، و مثال هایی که در تعریف هر دو عنوان آمده است فرقی با هم ندارند: کتاب، بزغاله، واژه: گل، درخت، سبزه و درستکاری، سبزیکاری. - باید اضافه شود که بسیاری از تکواژ های قاموسی واژه نیز هستند، بنابراین این واژه با تکواژ دستوری تفاوت دارد در آن صورت توضیح «تفاوت واژه و تکواژ» برای این بحث کافی خواهد بود

- مصدر فعلهایی که سه جزئی با مفعول می سازند: (ص ۱۶)

در این بحث بعد از شمردن فعل های سه جزئی نوشته شده است: «و نیز فعلهایی که با تکواژ (سببی گذراساز «ان») گذرا می شوند». از آنجاکه بعضی از فعل های گذرا نیز دوباره با این تکواژ سببی گذراساز چهار جزئی می شوند به نظر می رسد جمله به این ترتیب نوشته شود: - و نیز فعل های ناگذری که با تکواژ (سببی گذرا ساز «ان») گذرا می شوند.

• فکر کنید و پاسخ دهید چهار جزئی با مفعول و مسند. (ص ۲۰)
داخل کادر آمده است: «همه جمله‌های زیر، با الگوی بالا، چهار جزئی می‌شوند: نامه نوشته شد».
این جمله مجهول است و «شد» در این جمله فعل کمکی است نه اسنادی، بنابراین با این الگو چهار جزئی نمی‌شود.

• فعل‌های باقاعده (ص ۳۷):

شاید بتوان ادعا کرد این مبحث یکی از بحث‌های شیرین دستور زبان فارسی است، اما حتماً خود مؤلفان عزیز نیز مشاهده فرموده‌اند که وجود این همه استثناها که گاهی از خود موضوع هم بیشتر است (مثل استنهای گروه ۳ و ۵)، مطلب را بغرنج و خسته کننده کرده است. حتی بعضی از استنناها اشتباه نیز نوشته شده است (مثل: گروه ۳: ت ابدال به خ: دوش ← دوخت، در حالی که بن مضارع «دوخت» می‌شود «دوز»)

• «دوختن» مصدر اصلی از بن مضارع «دوش» است که مصدر دوم آن «دوشیدن» است و با «دوختن» که مصدر اصلی از بن مضارع «دوز» است متفاوت است؛ البته مصدر دوم آن یعنی «دوزیدن» استعمال نمی‌شود. (شریعت، محمدجواد، ۱۳۶۸: ۱۰۳)

- بنابراین برای اینکه از زیبایی مبحث کاسته نشود و مطلب را خسته کننده نسازد، به نظر حقیر آوردن استنناها اصلاً لازم نیست و بهتر است که نوشته شود: «هر فعلی که از بن مضارع آن با افزودن یکی از تکواژهای ماضی ساز (د- اد - ید - ت - ست) بن ماضی آن فعل به دست آید با قاعده بوده، بقیه فعل‌ها بی‌قاعده می‌باشند مثل: افشان + د = افشانند و ایست + اد = ایستاد و...». و می‌توان در گروه ۲ نیز فعل «خوان» را هم افزود: خوان + د = خواند.

• فعل وصفی :

شاید یکی از مباحثی که پیوسته مورد مناظره و موضوع بحث دستورنویسان قرار گرفته ، ولی هرگز به شرایط کاربرد آن توجه نشده است فعل وصفی و شرایط کاربرد آن باشد . حتی استادان بزرگی که نوشتن کتاب و مقاله از کارهای روزمره آنان است ایشان نیز در کاربرد فعل وصفی کم توجهی می نمایند ، درحالی که در اصول صحیح نگارش زبان فارسی ، حتماً باید شرایط آنرا مراعات نمود .

این مبحث در دستور زبان فارسی (۱) دکتر وحیدیان کامیار نیز تقریباً درهم و برهم آمده است ، چرا که اولین شرط استفاده از فعل وصفی آن است که بعد از آن، حرف ربط بکار نرود ، ولی در دستور مورد نظر آمده است :

«بعد از وجه وصفی ، حروف ربط و و امّا (وهم معین های امّا) می آیند .»

(ص ۵۷) و در مثال هایی که در توضیح فعل وصفی زده شده است حروف ربط را داخل پرانتز گذاشته اند که معلوم نیست باید حذف شوند یا نه ! گذشته از این به زمان فعل هایی که فعل وصفی می تواند به جای آنها بکار رود هیچ اشاره ای نشده است؛ بنا بر این به نظر می رسد که در توضیح فعل وصفی ترتیب زیر مراعات گردد :

- شرایط و کاربرد فعل وصفی :

۱. بعداز فعل وصفی نباید حرف ربط آورده شود ، بلکه بهتر است بعداز آن از ویرگول استفاده گردد .
۲. فاعل فعل وصفی باید با فاعل فعل بعداز آن یکی باشد .
۳. نباید در یک جمله بیش از یک فعل وصفی بکار برده شود .
۴. فعل وصفی تنها می تواند در زمان های زیر بکار رود :

مثال :

- گذشته ساده: خورشید طلوع کرده ، همه جا را روشن کرد . ← خورشید طلوع کرد و همه جا را روشن کرد.
- گذشته استمراری: خورشید طلوع کرده، همه جا را روشن می کرد. ← خورشید طلوع می کرد و همه جا را روشن می کرد.
- مضارع اخباری: خورشید طلوع کرده ، همه جا را روشن می کند . ← خورشید طلوع می کند و همه جا را روشن می کند.
- مضارع التزامی: شاید خورشید طلوع کرده ، همه جا را روشن بکند . ← شاید خورشید طلوع بکند و همه جا را روشن بکند.
- آینده: خورشید طلوع کرده ، همه جا را روشن خواهد کرد . ← خورشید طلوع خواهد کرد و همه جا را روشن خواهد کرد.
- امر: خورشید! طلوع کرده ، همه جا را روشن کن . ← خورشید طلوع کن و همه جا را روشن کن .

اگر فعلی غیر از زمان های یاد شده بعداز وجه وصفی بکار رود دیگر فعل جمله، وصفی نیست و لازم است بعداز آن حرف ربط بکار رود چون که در جمله حذف به قرینه وجود دارد: مثال :

- سعید به مدرسه رفته و کتابش را گرفته است = رفته است و گرفته است .
- سعید به مدرسه رفته و کتابش را گرفته بود = رفته بود و گرفته بود .

• فعل کمکی (صفحه ۶۳):

جملات آغازین این بحث چنین است: «برای ساختن فعلهای ماضی بعید، ماضی التزامی، ماضی های نقلی ...» همچنانکه ملاحظه می شود در این بحث زمان فعلها «ماضی» قید شده است در حالیکه در صفحه ۳۶ در بحث زمان فعل به جای ماضی، «گذشته» آورده اند،

- به نظر حقیر، حالا که بحث ماضی و مضارع جا افتاده است و همگی به آن عادت کرده ایم آوردن «گذشته» به جای «ماضی» شاید چندان مناسب نباشد.
• تکواژ صفت مفعولی ساز (صفحه ۶۶) در این قسمت آمده است:

«تکواژ: «-ه-» به بن ماضی تمام فعلها، گذرا و ناگذر افزوده می شود و ساختی به دست می آید که آن را صفت مفعولی می نامند مانند: ساخته»

- سؤال: آیا از فعلهای ناگذر نیز صفت مفعولی ساخته می شود؟

بدیهی است فعل لازم مفعول ندارد که از آن صفت مفعولی ساخته شود، چون باید در جمله مفعول باشد تا صفت مفعولی نیز ساخته شود، مثل: سعید شیشه را شکست = شیشه شکسته شد = شیشه شکست. سعید نامه را نوشت = نامه نوشته شد. بنابراین از فعل ناگذر صفت مفعولی ساخته نمی شود، و باید دانست که هر گاه طبق همین قاعده از فعل ناگذر صفت مفعولی ساخته شود معنی صفت

فاعلی می دهد نه صفت مفعولی مثل : رفته = رونده / نشسته = نشینده در

بیت زیر :

از گذشته ، همه جهان غمگین وز نشسته ، همه جهان دلشاد
گذشته = رونده نشسته = نشیننده

ب (پیشنهادات :

به نظر حقیر از آن جا که بحث دستور زبان فارسی بسیار بغرنج و خسته کننده شده است لازم می نماید جهت جلوگیری از دستورگیزی دانشجویان و ادب دوستان ، کمی هم به آسان اندیشی فکر بکنیم یعنی تا آن جا که می توانیم مسایل را ساده بگیریم و ساده فرض کنیم؛ بنابراین شاید به افزودن مباحثی که چندان به دستور مربوط نیست یا مشکلی از دستور را حل نمی کند ، حتی چندان چنگی هم به دل نمی زند نیازی نباشد که با پوزش از کارهای ارزشمند جناب دکتر وحیدیان کامیار پیشنهاد می کنم که در دستور زبان فارسی اصلاً بحثی از آن ها به میان نیاید مثل :

— تقسیم فعل ها به لحظه ای ، تداومی و لحظه ای — تداومی . (ص ۴۲)

— بحث افتان و خیزان در جملات پرسشی . (ص ۶۶)

— استثنای فعل های با قاعده . (ص ۳۸)

— بحث نمود در فعل (ص ۵۶) .

ج (مستدرکات :

از جمله نقایض و اغلاطی که در دستور آقای دکتر وحیدیان وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
وزن کلمات در صفحه ۷۷:

سطر ۷: اکاسره جمع کسری (از ریشه کسر) بر وزن (افاعله) است نه (فعالله).

سطر ۷: ملائکه جمع ملک (از ریشه لاک) برون (مفاعله) است نه (فعالله).

- توضیح اینکه اصل ملک بر وزن مَفَل و مَلَأک بر وزن مَفَعَل بوده است و (م) در ملک و ملائکه میم زایده است.

سطر ۹ و ۸: مضایق جمع مضیقه (از ریشه ضیق) و معايب جمع معايبه (از ریشه

عیب) و مصایب جمع مصیبت (از ریشه صوب) هر سه بر وزن (مفاعل) است نه (فعائل).

سطر ۱۸: اساطیر جمع اسطوره (از ریشه سطر) بر وزن (افاعیل) است نه

(مفاعیل).

منابع و مأخذ

- ۱- انوری، دکتر حسن، احمدی گیوی، دکتر حسن، (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات فاطمی، چاپ دوم.
- ۲- باقری، دکتر مهری، (۱۳۷۱) مقدمات زبانشناسی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم.
- ۳- خانلری، دکتر پرویز، (۱۳۷۲)، دستور تاریخی زبان فارسی، به کوشش عفت مستشارنیا، تهران، انتشارات توس، چاپ اول.
- ۴- خیام پور، دکتر علی، (۱۳۷۲)، دستوز زبان فارسی، کتاب فروشی تهران، چاپ هشتم.
- ۵- شریعت، محمدجواد، (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی، تهران، نشر اساطیر.
- ۶- فرشید ورد، دکتر خسرو، (۱۳۸۸)، دستور مفصل امروز، تهران، انتشارات سخن.
- ۷- گیوی، دکتر احمد، حاکمی، دکتر اسماعیل و همراهان، (۱۳۷۹)، زبان و نگارش فارسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ شانزدهم.
- ۸- مشکوة الدینی، دکتر مهدی، (۱۳۸۵)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد، ناشر دانشگاه فردوسی.
- ۹- وحیدیان کامیار، دکتر تقی، عمرانی، غلامرضا، (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی (۱)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ هفتم.